

گوناگونی منابع اسلامی و تعدد ساختار چکیده

محمد سمیعی، محمد نوری، فرج الله الہی، عبدالرسول عطایی، محمد رصافی، نصرت الله جمالی، محمدحسین صافی، عزام ربیعی، ابوطالب قمی، منصور ابراهیمی، علی آقانوری، محمدحسین زینلی و محمد ملکی

نژدیک به دو سال از عمر چکیده‌نویسی در پارسا می‌گذرد. پارسا نخستین نهادی است که با برنامه‌ریزی علمی و کارشناسی شده به چکیده‌نویسی دانش‌های اسلامی روی آورد. در این مدت تجربه‌های گران‌بهایی در فرایندهای مختلف افت و خیزها به دست آمد. این تجربه‌ها باید به محک داوری دیگر پژوهش‌گران عرصه اسلام نیز عیارسنجدی گردد تا کاستی‌های آن برطرف شده، مزایای آن آشکار شود. از این رو بر آن شدیم تا گفت‌وگویی با چکیده‌نویسان ارشد پارسا داشته باشیم، محور این گفت‌وگو را «تعدد چکیده‌ها و گوناگونی منابع اسلامی» برگزیده‌ایم. علت این گزینش، احساس ضرورت نوعی تکثیرگرایی در چکیده‌نویسی منابع اسلامی بود. پرسش اساسی پیش روی مدیریت پژوهشی پارسا این بوده که آیا برای همه منابع اسلامی باید تنها یک ساختار چکیده‌نویسی پیشنهاد کرد یا هر نوعی از منابع، ساختار ویژه‌ای می‌طلبد؟

برای تحلیل و بررسی ترکیب این پرسش، و پاسخ علمی به آن، این گفت‌وگویی دوستانه تشکیل گردید.

چکیده

گفتگویی چند جانبیه درباره کیفیت چکیده‌نویسی انواع منابع اسلامی است. این گفتگو در پی احساس ضرورت نوعی تکثیرگرایی در چکیده‌نویسی منابع اسلامی انجام شد. شرکت کنندگان عمده‌ای به سه مبحث پرداخته‌اند: طبقه‌بندی منابع مکتوب در فرهنگ اسلامی و انواع طبقه‌بندی‌ها بر اساس ملاک‌های مختلف؛ دسته‌بندی اقسام چکیده و

معیارهای آن و بالاخره بررسی رابطه طبقه‌بندی منابع با دسته‌بندی چکیده‌ها. نتیجه مباحثات آنان اینست که برای هر رده تعریف شده در دانش فهرست‌نویسی لزوماً باید ساختار چکیده ویژه‌ای پیشنهاد نمود چون بسیاری از این رده‌ها ماهیت یکسانی در چکیده‌نویسی دارند. بلکه در چکیده‌نویسی باید ملاک‌ها و مقتضیات خاص خود را در نظر گرفت.

نوری: چکیده را از نگره‌های گوناگون می‌توان تقسیم و طبقه‌بندی کرد: **الف**. تقسیم ماهوی؛ در این طبقه‌بندی، چکیده‌ها را به تشریحی، توصیفی، انتقادی، ساخت یافته و... تقسیم می‌کنند؛ **ب**. تقسیم چکیده بر اساس نوع و خواست کاربر؛ مثلاً کاربران را به اقسام اجتماعی مختلف دانش‌جو، بزرگ‌سال، کوچک‌سال و... طبقه‌بندی کرده، برای هر کدام نوعی از چکیده را توصیه می‌نمایند؛ **ج**. تقسیم بر اساس نوع منبع؛ بحث ما مربوط به این گونه از طبقه‌بندی است. پرسش نخست را از همین جا آغاز می‌کنم. به نظر آقایان آیا منابع اسلامی انقسام پذیرند یا این‌که نه، ماهیت و هویت یکسانی دارند و نمی‌توان آن‌ها را طبقه‌بندی کرد. اگر بتوان در آن‌ها به طبقه‌بندی دست یافت، ملاک و معیار چیست؟

الهی: به نظر می‌رسد منابع اسلامی قابل انقسام و طبقه‌بندی‌اند و به تبع آن، چکیده‌های آن‌ها نیز تقسیم پذیرند. در گذشته دانش‌ها و منابع آن دانش‌ها را بر اساس اختلاف موضوع یا غایت و هدف، تقسیم و متمایز می‌نمودند. البته از جهات دیگر مانند ساختار محتوای و علمی یا شکل یا روش نیز می‌توان منابع را طبقه‌بندی کرد. به هر حال انقسام پذیری منابع اسلامی بدیهی است؛ اما به نظر من، نباید همان تقسیمات منابع اسلامی را منطبق با تقسیمات چکیده کرد؛ یعنی ملاک‌های تقسیم‌بندی کتاب‌ها را به چکیده‌های آن‌ها نیز سرایت داد؛ بلکه باید برای ساختار چکیده ملاک‌ها، ویژگی‌ها و طبقه‌بندی‌های دیگری در نظر گرفت؛ مثلاً می‌توانیم همه منابع فقهی، کلامی و قرآنی را در یک قالب چکیده‌نویسی کنیم و این کار را تا به امروز انجام داده‌ایم. مهم این است که مصالح و مناطق‌های مهم در اطلاع‌رسانی را در نظر گرفت و چکیده‌ها را بر اساس آن‌ها طبقه‌بندی کرد. این نوع طبقه‌بندی تعارضی با تقسیم موضوعی منطقه‌ای و حتی زبانی چکیده‌ها نیز ندارد.

نوری: در بخش‌های کارشناسی پارسا، منابع قابل چکیده شدن را به دو دسته سطح یک و سطح دو طبقه‌بندی می‌کنند. منابع سطح یک، به دلیل مرجع بودن اهمیت بیشتر دارند و چکیده آن‌ها باید پرمایه‌تر ارایه گردد؛ در حالی که منابع سطح دو این‌گونه نیست؛ چکیده‌های آن‌ها سطحی‌تر است. به نظر من، این نوع دسته‌بندی‌ها، نظر آقای الهی را تأمین می‌کند.

جمالی: غیر از دسته‌بندی منابع و چکیده‌های آن‌ها به سطح یک و دو، در سورای کنترل، تصویب شد که کتاب‌ها و مقالات ترجمه شده (متترجم)، شرح شده (مشروح)، کتاب‌شناسی، فهرست نسخه‌های خطی و مقالات دایرةالمعارف‌ها، هر کدام ساختار جداگانه‌ای داشته باشند. برای نمونه در

مورد کتابی که متن آن چکیده‌نویسی شده، اگر بخواهیم ترجمه آن را چکیده‌نویسی کنیم، فقط باید نکات مربوط به ترجمه، مانند نوع و سبک ترجمه اورده شود؛ هم‌چنین چکیده منبعی که شرح شده، فقط بیان گر نکات مربوط به شرح است؛ مثلاً تعریفی از شرح، انگیزه شارح، جایگاه علمی آن شرح و... ارایه می‌گردد. در چکیده‌کردن مقالات دایرةالمعارف‌ها که خود سبک اطلاع‌رسانی دارند و در واقع چکیده بسیاری از منابع است، باید ساختار ویژه‌ای طراحی نمود.

نوری: همان‌گونه که آقای جمالی گفتند، کارشناسی‌های پارسا به این نتیجه رسیده که برای یک متن ترجمه شده نباید دو چکیده، یکی برای متن و یکی برای ترجمه نوشته؛ به‌طوری که چکیده ترجمه دارای همان نکات مربوط به متن باشد. این رهیافت خوبی است، اما به نظر می‌رسد مشکل را برای همیشه حل نمی‌کند؛ یعنی هم‌اکنون که چکیده‌نویس ترجمه‌ای را چکیده می‌کند و اطلاعی از چکیده شدن یا نشدن متن آن ندارد، باید ساختار چکیده ترجمه را رعایت کند؛ ولی در تداوم کار چکیده‌نویسی، چکیده متن و چکیده ترجمه به هم وصل خواهد شد و بین آن‌ها هم‌ارایی صورت می‌پذیرد.

سمیعی: علاوه بر نکات مطرح شده و اصرار من بر عدم تفاوت جدی بین دانش‌های اسلامی و چکیده‌های آن‌ها و این که واقعاً تفاوتی بین منابع فقهی و کلامی و... نیست، توجه‌ام به سه مسئله جلب شده است:

یک. تقسیم منابع به مرجع و غیرمرجع؛ به دلیل اهمیت مرجع، اطلاع‌رسانی در این زمینه باید کامل‌تر و پر محتوای‌تر باشد. به نظر می‌رسد چکیده‌های منابع مرجع باید به خلاصه‌نویسی شبیه‌تر باشند اما منابع غیر مرجع می‌توانند چکیده‌های معمولی داشته باشند.

دو. کار کارشناسی روی طبقه‌بندی چغراویابی و منطقه‌ای؛ برای نمونه چکیده‌نویسانی را به دانشگاه‌الازهر برای چکیده کردن پایان‌نامه‌های آن‌جا می‌فرستیم، باید این چکیده‌ها پرماهیه و مفصل‌تر باشد؛ چرا که ایرانیان به آن منابع دست‌رسی ندارند و نیازمند اطلاعات بیش‌تری در این زمینه‌اند. در ادامه این بحث طرح می‌شود که دست‌رسی منابع هزینه‌بر است و کاربر باید با اطمینان به انتخاب و سفارش آن‌ها بپردازد؛ از این رو نیاز به اطلاعات بیش‌تر دارد؛ و ناگزیر باید چکیده‌نویسی پرمحتوا صورت بگیرد.

سه. بررسی چکیده‌های انتقادی؛ در آین‌نامه فعلی چکیده‌نویسی، به شدت از اعمال قضایت و داوری نهی شده و توصیه به توصیف صرف شده است. اما به نظر می‌رسد اگر بخواهیم منابعی را که به گونه‌ای ضاله هستند، در سایت بیاوریم، باید نوعی چکیده انتقادی برای آن‌ها تهییه کنیم، البته این نیاز به کارشناسی بیش‌تر دارد. به نظر بندۀ آن‌گونه که موضوعات مرز علوم است، در چکیده‌ها نمی‌تواند ملاک تقسیم‌بندی باشد.

نوری: بنابراین در چکیده‌نویسی بین دانش‌های گوناگون اسلامی و غیر اسلامی تفاوتی نیست و چکیده‌نویسی امری تخصصی است که اجرای آن برای همه یکسان است و نوع فرهنگ و مذهب و... دخالتی در آن ندارد. اگر این فرض را پذیریم، به راحتی می‌توان تجربه‌های دیگران را اقتباس کرد و در چکیده‌نویسی منابع اسلامی اجرا نمود.

سمیعی: دقیقاً همین طور است. تأکید دارم که نباید بین انواع و اصناف منابع و گونه‌گونی چکیده رابطه لازم و ملزمی برقرار کرد؛ بلکه اصلاً بین آن‌ها رابطه‌ای نیست. نمی‌توان گفت اگر مثلاً ده گونه کتاب داریم، پس به ازای آن‌ها، ده گونه چکیده نیز داریم؛ بلکه ملاک‌های دیگری را برای طبقه‌بندی چکیده باید در نظر گرفت.

نوری: آیا شما اعتقاد دارید که چکیده‌های مربوط به منابع علم رجال، درایه، کلام، تفسیر و فقه، باید همه یک گونه نوشته شود؟

سمیعی: بله، تفاوتی بین آن‌ها از نظر ساختار چکیده‌نویسی نیست؛ البته هر دانشی، اصطلاحات ویژه خود را دارد که در متن چکیده اورده می‌شود؛ ولی هم‌اکنون سخن بر سر ساختار و شاکله است و نظر من این است که منابع دانش‌های مختلف را می‌توان با یک ساختار چکیده‌نویسی کرد.

نوری: طبقه‌بندی دانش‌ها و منابع آن‌ها بر اساس گوناگونی روش‌ها، شاید در تنوع چکیده تأثیر داشته باشد.

سمیعی: برای منابعی که با روش‌های مختلف تألیف شده، یک ساختار چکیده‌نویسی می‌توان داشت و این را با تجربه آزموده‌ایم، منابعی که با روش میدانی نوشته شده‌اند و منابعی که با روش تاریخی تدوین یافته‌اند، همگی یک گونه چکیده می‌شوند.

زینلی: صحبت آقای سمیعی را می‌توان از منظر دیگر نگریست. خاستگاه‌ها و انگیزه‌های مختلف در تألیف منابع به کار رفته است؛ به ویژه انگیزه‌های دینی در منابع مذهبی اهمیت دارند. یکی از تمایزهای منابع، خاستگاه و انگیزه تألیفی آن‌ها است. هم‌چنین چکیده‌نویسان دارای ذهنیت‌ها و شاکله‌های فکری و روانی ویژه‌ای هستند. حال آیا نمی‌توان به طبقه‌بندی بر این اساس دست یافت؟ به عبارت دیگر این که مثلاً اسماعیلیان در تدوین کتاب‌های کلامی خود انگیزه‌ای دارند و شیعیان انگیزه دیگر و نیز متكلمان جدید از این نظر با آن‌ها تفاوت دارند، یک واقعیت است و از سوی دیگر، چکیده‌نویس نیز باید خود را در جایگاه آن‌ها بنشاند تا بتواند مطالب آن‌ها را درک و هضم کند سپس به نگارش چکیده رو آورد. بنابراین واقعیت‌هایی که از ذهن و اندیشه مؤلف تراوش کرده و در صفحات کتاب یا مقاله تجلی یافته، باید در چکیده نیز تبلور یابد؛ در غیر این صورت، این چکیده، آینه تمام‌نمای آن متون نیست.

نوری: تأکید آقای سمیعی بر عدم تفاوت از حیث ساختار است؛ یعنی منابع مختلف را که تفاوت رده‌ای و حتی انگیزه‌ای با هم دارند، می‌توان در یک ساختار و قالب چکیده کرد. بحث آقای

زینلی مهم است ولی ما از ابتدا به چکیده‌نویسان توصیه می‌کنیم که گزارش‌گر و توصیف کننده صرف باشد و انگیزه‌ها و ذهنیت‌های خود را دخالت ندهند. تا جایی که می‌توانند ماشینی عمل کنند؛ مانند ضبط صوت. کاستن از تأثیر ذهن و روان چکیده‌نویسان در نگارش و به حداقل یا صفر رساندن آن، می‌بینی است که نیاز به کارشناسی دارد.

سمیعی: وجود گرایش‌های گوناگون در آثار مکتوب اسلامی، یک واقعیت است و قابل کتمان نیست. عارفان گرایش‌ویژه دارند که با روی کرد متكلمان متفاوت است وغیره. اما سخن در این است که آیا آثار مکتوب اسلامی را علی‌رغم، گرایش‌های گوناگون نویسنده‌گان آن‌ها می‌توان با یک قالب چکیده کرد؟ به نظر من پاسخ این پرسش مثبت است.

نوری: تفاوت خاستگاه‌ها و اختلاف گرایش‌های مندرج در آثار را می‌توان در بندی از چکیده گنجاند؛ یعنی چکیده‌نویس باید به گزارش آن خاستگاه‌ها نیز پردازد.

زینلی: من نیز می‌پذیرم که در چکیده‌نویسی اگر به دنبال خاستگاه‌ها و انگیزه‌ها باشیم، حتی دو نویسنده مشابه نمی‌باشیم. همه دارای اختلاف ذهنیت‌اند و اتكای به این فارق، محل به چکیده‌نویسی است. در تقسیم و طبقه‌بندی چکیده باید به دو مورد توجه داشته باشیم: ۱. به دنبال اشتراکات نوعی باشیم؛ ۲. ملاک‌های طبقه‌بندی را دقیق‌تر و کاربردی‌تر انتخاب کنیم.

ملکی: بهتر است بحث را روی خود ساختار و قالب متمرکز کنیم و با نگاه ساختار گرایانه به پیش برویم. ما اگر ساختارهای گونه‌گون با تمایزهای واقعی ساختیم، پس از آن می‌توانیم کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها را در آن قالب‌ها برپزیم. به نظر بندی، ابتدا باید قالب‌ها را ساخت و پس از آن به سراغ دریش منابع در آن‌ها برمد.

نوری: درست است؛ ولی اجازه بدھید نکته مهمی را که در ورای سخن آقای زینلی بود، به گونه‌های دیگر بیان کنم. گاهی منابع دینی را به دو رده دفاعی و استدلالی تقسیم می‌کنند. در منابع استدلالی، نویسنده‌گان موضع و خاستگاه دینی خود را دخالت نمی‌دهند؛ مثلاً مادلونگ تاریخ اسلام بنویسد یا جعفر مرتضی، تفاوتی ندارد؛ اما منابعی که به انگیزه دفاع از دین تألیف می‌شود، با آرا و خاستگاه‌های نویسنده پشتیبانی شده‌اند.

عطایی: این نظر که اختلاف منابع از نظر روش و رده‌بندی علمی تأثیری در چکیده‌نویسی ندارد، مقبول است. حتی گرایش‌های دینی نویسنده‌گان نیز نمی‌تواند موجب تقسیم چکیده‌ها باشد؛ یعنی این‌گونه تفاوت‌ها جدی و کارآمد نیست. آن‌چه مهم است، مطالب و نکات موجود در هر اثر است که باید توسط چکیده‌نویس استخراج و تدوین گردد.

نوری: همه ما داریم به این نتیجه مرسیم که آثار مکتوب اسلامی، با این که دارای مشخصه‌های تمایز فراوان‌اند، اما در چکیده‌نویسی باید برای هر دسته‌ای از آن‌ها یک ساختار کلی بر اساس اهداف و سیاست‌های اطلاع‌رسانی طراحی کرد. به نظر می‌رسد یک نکته که کمایش در صحبت‌های برخی آقایان بود، باید شفاف‌تر مطرح شود و آن، نوع نگرش و برخورد چکیده‌نویس با

منبع است. برخی چکیدهنویسان، همه منابع را یک جور و یکسان می‌بینند؛ به عبارت دیگر، قدرت تشخیص ممیزات و تفاوت‌های هر منبع را ندارند یا ذهن کثرت‌بینی در خود پرورش نداده‌اند؛ این گونه افراد نیز نمی‌توانند چکیده‌های مطلوب بنویسند؛ چون قالب و ساختار چکیده‌ها یکسان است ولی مطالب چکیده‌ها باید متفاوت باشد؛ چرا که منابع تفاوت دارند. به سخن دیگر چکیده‌نویسی که نتواند ویژگی‌های خاص هر اثر را کشف کند، چکیده‌های کلیشه‌ای خواهد نگاشت که در اطلاع‌رسانی مطلوبیت لازم برای کار را در بر نخواهد داشت.

رصافی: دستورالعمل پارسا این است که هر اثر به چکیده‌نویس متخصص در آن رشته داده شود. این موجب می‌شود چکیده‌ها وضع کلیشه‌ای و تکراری پیدا نکنند و عمق هر اثر معرفی گردد. البته بسندۀ نیز معتقد نیستم که تقسیمات علوم بر روی ساختار چکیده‌ها تأثیرگذار است. پارامترهای دیگری را باید برای طبقه‌بندی چکیده‌ها مانند قشر و خاست‌گاه کاربران در نظر بگیریم. در شرایط زمانی و مکانی مختلف، ممکن است این پارامترها نیز تفاوت یابند.

سمیعی: از مجموع گفته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهایی چون تقسیمات علوم و گرایش‌های دینی، در ساختار چکیده تأثیر ندارد؛ ولی ممکن است در متن چکیده تأثیر داشته، نکاتی در رابطه با آن‌ها درج گردد.

قمری: دلیل این سخن آقای سمعیعی این است که منابع غیر اسلامی را که به گونه‌ای در قلمرو سایت اصلی پارسا نیست و از بیرون سفارش داده می‌شود، در همان ساختار چکیده‌های اسلامی پارسا انجام می‌دهیم.

آقای نوری: تجربه این گونه نشان می‌دهد که پارامتر اول و تعیین کننده در چکیده‌نویسی، داشتن ذوق و هنر و دانش آن است. مجهز بودن به تخصص‌های علمی دیگر، مانند فقه، فلسفه و... در رتبه دوم قرار دارد. با این وصف، چکیده‌نویس وزیبده می‌تواند نسبت به آثار تمیز و تشخیص داشته باشد و آن‌ها را تفکیک و تقسیم کند. به عبارت دیگر، خود حرفه و دانش چکیده‌نویسی در تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی حرف اول را می‌زند.

ابراهیمی: مهارت علمی فقط تسهیل کننده است. چکیده‌نویسی که به چکیده‌سازی کتاب‌های فقهی می‌پردازد، اگر فقه نداند، به سختی می‌تواند کار خویش را به انجام رساند؛ ولی اگر در این دانش دستی داشته باشد، به راحتی انجام می‌دهد.

سمیعی: چکیده مراتبی دارد. به عنوان مثال، ملاصدرا رساله‌ای در معاد جسمانی دارد. این رساله را یک فرد عادی مثلاً دیپرستانی، می‌تواند چکیده‌نویسی کند و یک فرد متخصص در فلسفه متعالیه نیز می‌تواند به چکیده‌نویسی آن بپردازد؛ ولی این دو چکیده تفاوت‌های بسیاری با هم خواهند داشت. فرد عادی بر نکات و موضوعات کلیدی آن اثر مسلط نیست و شاید اشتباه بفهمد. اگر غلط‌نویسی هم نکند، حتیً بسیاری از موارد مهم را ناگفته باقی خواهد گذاشت. چکیده‌نویس ماهر و دارای تخصص علمی می‌تواند مفاهیم کلیدی هر اثر را دریابد و وارد چکیده نماید.

نوری: چکیده‌نویسی همواره بین نوعیت و شخصیت در تردد است؛ یعنی از یک طرف باید ساختار کلی را رعایت کند و منابع گوناگون را با چکیده‌های متحددالشکل در یک ساختار آورده از سوی دیگر، تنوع منابع و ذهنیت‌های متعدد چکیده‌نویسان و حتی اختلاف سلیقه‌ها و ذوق‌های آن‌ها، موجب ارایه چکیده‌های گوناگون خواهد شد. این جا مدیریت علمی می‌تواند با تدبیرهای خود، سلایق را به حداقل و نوع گرایی را به حداکثر برساند.

صفی: اهمیت تشخیص و تمیز منبع در گفت‌وگوی این محفل، این‌جاست که در تقسیم‌بندی‌های گوناگون، چکیده‌نویس باید قدرت و استعداد تشخیص داشته باشد؛ یعنی بتواند هر منبع را در زیر مجموعه آن رده کلی طبقه‌بندی کند. چکیده‌نویس باید مهارت کتاب‌شناسی را نیز داشته باشد. اما به نظر من، تخصص فرد، حرف اول را در چکیده‌نویسی نمی‌زند. بسیاری از طلاب در فقه یا فلسفه سال‌ها درس خوانده و حتی تدریس کرده‌اند، ولی توانایی چکیده‌نویسی منابع فقهی و فلسفی را ندارند. آن‌چه مهم است روش چکیده‌نویسی است. هر فردی که این روش را فرا گرفته باشد، به راحتی چکیده مفید و کارآمد می‌نویسد.

عطایی: در ارایه راه‌کارها و داوری‌ها نباید فقط یک جانبه و یک‌سویه اندیشید. هر چکیده، مشتمل بر مؤلفه‌های مختلف است؛ تخصص در دانش، مهارت در روش و تجهیز به کتاب‌شناسی. سمیعی: به نظر می‌رسد تخصص گرایی با سویاافتگی چکیده تلازم واقعی دارد. اگر چکیده‌نویس در یک رشته تخصص داشته باشد، به گزینش منابع آن رشته می‌پردازد؛ یعنی درباره منابع، دیدگاه مثبت و منفی دارد. فعلًا در مورد حقایقت این داوری بحث نمی‌کنم، بلکه فقط یک واقعیت موجود را گزارش می‌دهم. بنابراین، یک اصل مهم، عدم سویاافتگی و عدم دخالت داوری‌های شخصی در چکیده‌نویسی است؛ ولی از سوی دیگر متخصصان نگرش‌ها و قلمهای سویاافتنه دارند. باید تدبیری اندیشید که افراد متخصص، چکیده بنویسند ولی نظرات خود را دخالت ندهند.

نوری: تأثیر و تأثیر تخصص با سویاافتگی، و عدم تخصص با سطحیت و اشتباه، یک واقعیت در جریان اطلاع‌رسانی است. بحث مهم‌تر این است که تلازم مزبور چه ارتباطی با انقسام‌پذیری چکیده‌ها دارد. چکیده‌ها بر اساس ملاک‌های اطلاع‌رسانی تقسیم می‌شوند. همه آقایان ابراز داشتند که رابطه‌ای بین رده‌بندی علوم و تقسیم چکیده‌ها نیست و منابع علوم گونه‌گون را می‌توان در ساختار واحد آورد. بنابراین تخصص از این نظر تأثیری در تقسیم‌بندی چکیده ندارد. اما هر چکیده آیینه نمایان گر مطالب یک اثر است و تخصص چکیده‌نویس می‌تواند به تمایزها و تفاوت‌های چکیده‌ها منجر گردد. از این رو، ما در تقسیم چکیده‌ها، دو نوع طبقه‌بندی و دو لایه داریم؛ نخست، لایه ساختاری و دوم لایه متنی. در مورد دوم، تخصص موجب تمایز می‌گردد.

الهی: سویاافتگی چکیده‌های افراد متخصص، از دو جهت قابل تحلیل و بررسی است: نخست، تأثیر جبری و غیر ارادی تخصص در سویاافتگی؛ دوم، تدبیرهای مدبرانه و توصیه برای عدم

دخلالت آراء و سلاطیق در چکیده‌نویسی. من معتقد به تأثیر جبری و حتمی نیستم؛ بلکه مدیر چکیده‌نویسی می‌تواند توصیه‌هایی داشته باشد و افراد متخصص و متبحر را از دلالت سلاطیق پرهیز دهد.

نوری: اگر متخصص را در راه مثبت به کار گیریم، یعنی به جای این که متخصص، به ارزش‌گذاری و اظهار داوری بپردازد، قدرت تخصصی خود را صرف کشف زوایای کتاب و گزارش آن‌ها نماید، فکر می‌کنم موفق خواهیم شد؛ به هر حال منابع اسلامی متنوع است و لزوماً باید در هر منبع به نوعی به کندوکاو و کشف و استخراج مطالب پرداخت. البته این بستگی تام به قدرت تشخیص و تمییز دارد. به عبارت دیگر، هر قدر توانایی نکته‌یابی و ریزبینی چکیده‌نویس بیشتر باشد، مطالب پر مغزتر و پرمایه‌تری می‌نویسد. بنده آن‌گونه که قبل‌اً هم گفتم معتقد به نوعی تکثر در چکیده‌ها هستم؛ البته وحدت و کثرت چکیده‌ها را باید با هم ملاحظه کرد. چکیده‌های با یک ساختار می‌توانند از حیث مطالب گوناگون باشند.

ربیعی: نمی‌دانم مطالعات کارشناسی در زمینه چکیده آزاد انجام یافته یا نه؟ اما این نیز سبکی از چکیده‌نویسی است که چکیده‌نویس را آزاد می‌گذاریم تا هرگونه که می‌پسندد بنویسد؛ فقط ضوابط کلی (نه قالب و ساختار ویژه) به او می‌دهیم. شاید این سبک چکیده با تنواع منابع اسلامی نیز تلائم و سازگاری داشته باشد.

صفی: اطلاعات عمومی، مثلاً آگاهی به آثار و سبک شهید مطهروی یا دانشمندان دیگر و نیز اطلاع از زندگانی آن‌ها کمک مفیدی در تشخیص منابع دارد. آگاهی فردی تخصص در رشته‌ای دارد، یعنی در اعماق آن علم غور کرده است، ولی به دلیل نداشتن اطلاعات عمومی، قدرت تشخیص ندارد و نمی‌تواند چکیده‌های جامع و مطلوبی بنویسد.

نوری: اگر بخواهیم تنوع و تمایزات منابع را وارد چکیده‌ها سازیم، چاره‌ای جز ارتقای قدرت تمییز چکیده‌نویسان نداریم؛ ولی افزایش این استعداد با برنامه‌های آموزشی و مطالعاتی و توصیه‌های مکرر به دست می‌آید؛ مثلاً چکیده‌نویسان باید جراید، به ویژه نشریات اطلاع‌رسانی را هر روز مطالعه کنند و با کتاب‌فروشان دائم‌سر و کار داشته باشند.

زینلی: تخصص را که در مرحله دوم تأثیرگذاری بر فرآیند چکیده‌نویسی قرار گرفت، می‌توان لایه‌بندی کرد. حداقل می‌توان آن را به دو دسته تخصص‌های سطح بالا و متوسط تقسیم کرد. می‌توان گفت استادان کاملاً متخصص در یک رشته، شائینت چکیده‌نویسی را ندارند و نگاه آن‌ها کاملاً جهت‌دار و سویافته است، ولی متخصص‌های معمولی می‌توانند چکیده‌های خوبی بنویسند. چکیده‌نویسان با سطوح مختلف باید آشنایی اجمالی، تبحر و تخصص کافی داشته باشند.

رصافی: آشنایی چکیده‌نویس با شاخه‌های گوناگون علوم اسلامی و ترابط آن‌ها با یکدیگر، قدرت ذهنی زیادی به چکیده‌نویس می‌دهد که بتواند منابع هر علم را حل‌اجی کند. هر چکیده‌نویس با هر اثری مواجه شود، اولین پرسش این است که ماهیت علمی این اثر چیست؛ و به

همین دلیل در پی کشف آن بر می‌آید. به عبارت دیگر، اگر سریعاً بتواند تشخیص دهد که طبقه و رده اثر چیست و تحت چه نامی می‌آید، چکیده‌نویس موفقی خواهد بود. کشف ماهیت علمی هر اثر، تأثیر فراوان در چکیده‌نویسی دارد. تنتیجه‌گیری ام این است که چکیده‌نویس باید با تزاروس‌های مختلف علوم اسلامی و رده‌بندی‌های آن‌ها به خوبی آشنا باشد.

ملکی: یکی از شاخص‌های کارآمدی چکیده‌ها، هم‌آهنگی و متحداً‌الهويه بودن آن‌ها است. کاربر وقتی با چکیده‌های مشتت مواجه گردد، پس از مطالعه چند تا از آن‌ها سرگردان شده، بهره لازم را نخواهد برد. اما چکیده‌های منظم و هم‌آهنگ، همانند کتاب‌فروشی نظاممند است که هر کتاب را با نظم و بر اساس ضوابط چیده است. در هر مرکز چکیده‌نویسی، مدیریت چکیده باید بین چکیده‌نویسان این هم‌آهنگی و نظم را ایجاد کند؛ مثلاً جلسات مشترک بین آن‌ها برقرار کند.

الهی: گوشزد کردن این نکته شاید موجب پیش‌گیری از خطاهای احتمالی باشد که نمایه‌گذاران معمولاً اطلاعات خود را از چکیده‌ها می‌گیرند؛ یعنی اطلاعات مندرج در چکیده را فشرده‌سازی و تبدیل به اصطلاح می‌نمایند؛ به طوری که کاربر با انتخاب آن اصطلاح می‌تواند به منبع خود دسترسی پیدا کند. از سوی دیگر، شما می‌گویید چکیده‌نویسان باید به تزاروس و رده‌بندی علوم آشنایی داشته باشند و بتوانند منابع را زیر آن‌ها جای داده، طبقه‌بندی نمایند. این دو را می‌توان با این تحلیل گشود و گفت نمایه‌گذاران فقط اطلاعات اولیه را از چکیده‌ها می‌گیرند و بعداً عملیات دیگر علمی روی آن‌ها انجام می‌دهند؛ هم‌چنین چکیده‌نویسان فقط باید به عناوین و اصطلاحات نمایه‌ای آگاه باشند، ولی بدنه چکیده را خود بر اساس ضوابط دیگر می‌نویسند.

نوری: شکل‌گیری یک چکیده باید منطبق با روش علمی باشد؛ روشی که با مطالعه کار چکیده‌نویسان به دست آمده این گونه است: کلیدواژه‌ها و کلمات مهم هر بخش کتاب گردآوری و تبدیل به عبارت می‌گردد و از ترکیب عبارت‌ها، جملات و پاراگراف‌ها و با تنظیم آن‌ها، چکیده ساخته می‌شود. و برعکس این‌ها، با تحلیل تمامی کتاب به کلیدواژه‌ها می‌رسیم. انتباطق چکیده با متن منبع نیز باید بر اساس ساختار مذبور باشد. اگر با تحلیل چکیده به واژگانی اصلی رسیدیم که در تحلیل کتاب هم به همان‌ها رسیده بودیم، این چکیده منطبق با آن منبع و گویای آن است. بدین وسیله تنوع منابع در چکیده‌ها نیز تبلور خواهد یافت.

جمالی: این همان قیاس و استقرار است که باید تنتیجه‌های همانندی ارایه کنند. اگر چکیده‌نویس ذهنی و بدون توجه به متن و از خودش بنویسد، در واقع واژگان او انتباطق با واژه‌های کتاب ندارد و از گزارش‌گری واقعی فاصله گرفته است.

نوری: با تشکر از سروران که علی‌رغم مشغله‌های فراوان فرهنگی، در این محفل حضور یافتدند و تجربه‌ها و دانش خود را بیان کردند. امید است این گونه بحث‌ها بتواند چکیده‌نویسی را در حوزه اسلامی ارتقا بخشد.

